



جلوه های اسلام شیعی در جنوب شرق آسیا (اول) : تایلند و اندونزی

پدیدآورده (ها) : مارکینوسکی، کریستوف

علوم سیاسی :: پژوهش های منطقه ای :: بهار 1388 - شماره 1

از 105 تا 118

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/885416>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 28/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

سکولار و مادی در میان نباشد- شدند و در عین حال، ریشه‌های اجتماعی خویش را حفظ کردند. این نوگرایی مدارس علمیه، در یک پارچه ساختن سیستم‌های مدارس علمیه اسلامی و سکولار تحت کنترل یک مدیریت آموزشی و نیز در مسئله تغییر IAIN ها و STAIN ها به UIN ها یا حداقل شامل شدن دامنه گسترده تری از برنامه‌های آموزشی عمومی در نظام آموزش عالی اسلامی، بازتاب پیدا می‌کرد؛ این شمولیت، با نام " IAIN دارای اختیار بیشتر" نیز شناخته شده بود " (به نقل از عذرا (Azra)، سال ۲۰۰۰؛ مولمان (Meuleman)، سال ۲۰۰۰). با اینکه هنوز IAIN ها، STAIN ها و UIN ها، مراکز اصلی دست رسی جوانان روستایی به آموزش عالی بودند، اکنون دستیابی به سیستم دانشگاهی سکولار، نیز همان گونه که قبلاً در قانون مصوب نظام آموزش ملی مطرح شد، ممکن بود.

نقش برجسته IAIN ها، STAIN ها و UIN ها در تغییر شکل اسلام در اندونزی، که در مقایسه با اسلام در جای دیگر، از تسامح و تساهل و شمولیت بیشتری برخوردار شد، به سبب روشهایی است که آنها در فرایندهای آموزشی خود برگزیدند. موارد ذیل، مهم‌ترین روش‌هایی هستند که در این مراکز اجرا شده‌اند (به نقل از: تحقیق Impact Study، سال ۲۰۰۰: ص ۷ و ۸).

۵. آموزه‌ها

اول، اسلام نه تنها یک دین است، بلکه پدیده تاریخی نیز می‌باشد که با بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، سازگار شده است و این مسئله می‌تواند موضوع یک تحلیل تجربی گردد.

دوم، از این رو اسلام را می‌توان پدیده تاریخی قابل درک و حوزه‌ای دانست که می‌تواند موضوع تحقیق تجربی استدلالی قرار گیرد. درمورد اسلام، تحلیل‌های اساسی بسیاری می‌توان انجام داد و تفکر انتقادی در مسئله اسلام، چیزی نیست که نهی شده باشد.

سوم، بررسی مقایسه‌ای در ادیان و مذاهب یا حتی بررسی‌های دینی، مورد تاکید هستند. این تاکید، باعث پیش برد روش قیاسی و نیز تولید دانش، درک و فهم و احترام به سایر ادیان می‌گردد.

چهارم، یک روش اشتراکی، دموکراتیک و دارای شمولیت، در پیش گرفته می‌شود و تفکر انتقادی، دیگر مختص علمای مسلمان و محققان نیست. خود انتقادی، باعث

تقویت اعتماد به نفس، هم زیستی، تسامح و تساهل و آمادگی جهت پذیرش انتقادی، قیاسی و غیر احساسی موقعیت دیگران می‌شود.

پنجم، یک روش تجربی یا ایدئولوژیکی و نه احساسی، در پیش گرفته می‌شود. انحصار طلبی و سلطه جویی، راست دینی (ارتدوکسی) خشک و داشتن نقش مدافع یا مبلغ دینی، نامناسب خواهد بود.

هشتم، رابطه فکری، اجتماعی و فرهنگی با غرب و سایر ادیان و مذاهب، در پیش گرفته شده و تسهیل می‌گردد. غرب دشمن تلقی نمی‌شود، اما به عنوان یک همراه در رسیدن به موفقیت هم نخواهد بود. بدین ترتیب، افق‌های فکری، گسترده تر خواهند شد.

هفتم، یک عرف خاص برای تحقیق هدف مند تعیین می‌شود؛ چیزی که قبلاً وجود نداشت. مطالعه درمورد اسلام، تحقیقی گسترده خواهد شد و فقط به دانش آموخته شده رایج در بسیاری جوامع مسلمان دیگر، محدود نخواهد بود.

هشتم، روش تحقیق در مورد اسلام، فرقه‌ای و متعلق به مدارس خاص فکری یا تفسیری نخواهد بود و بدین ترتیب، تضاد میان آنها رفع خواهد شد. از این رو، اسلام نه تنها یک پدیده واحد و یکپارچه است، بلکه پدیده جمعی نیز می‌باشد.

نهم، روش هشتم، نوعی مطالعه ادراکی و تقدیسی در زمینه اسلام و سنت حضرت محمد (ص) (حدیث) و حرمت برای سنت انسانی، صبر و برابری در اسلام پیشین، در پیش می‌گیرد. در مقابل، روش بررسی ساده و جزء به جزء قرآن و حدیث، در پیش گرفته نمیشود، زیرا این روش منجر به عدم درک درست اسلام و تحریف آن می‌گردد. دهم، سازگار نمودن اسلام با تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی و اثبات ارتباط آنها با شرایط جدید و ارتقای قابلیت جوامع مسلمان در هم گامی سازنده با تغییرات ممکن می‌شود.

به طور خلاصه، باید گفت که تاکید بر تسامح و تساهل و همسویی دینی که هدف اصلی روش‌های به کار بسته شده از جانب IAIN ها، STAIN ها و UIN ها می‌باشد، توسط سازمان‌های مسلمان، رهبران دینی محلی، جنبش‌های سیاسی روستایی و مربیان در سطح جامعه، به طور فزاینده انعکاس می‌یابد. تمام این عوامل در جای گاههایی قرار دارند که می‌توانند کشمکش‌ها را در سطح متعادل نگهدارند و درک دو جانبه را ارتقای

بخشند.

IAIN ها، STAIN ها و UIN ها در تمام نواحی اندونزی، نقش حیاتی در گسترش و اشاعه تضاد دینی و مذهبی دارند. مراکز مطالعه در زمینه اسلام و سایر ادیان و مذاهب، در همه مؤسسات آموزش عالی اسلامی، به عنوان مراکز مشاوره‌ای نگریسته می‌شوند که خاستگاه مناظره اندیشه‌ها و تفکرات گوناگون می‌باشند. این مراکز، نقشی کاربردی در ایجاد اطمینان در جامعه مسلمان برای پذیرش دیدگاه‌های متفاوت و روش‌های متنوع حل مسائل اجتماعی، فرهنگی و دینی بر عهده دارند.

تاکید این مراکز بر مطالعات تطبیقی در زمینه ادیان و مذاهب یا حتی خود مطالعات دینی، بسیار مهم است. مسیحیت تا حدی با استعمار غرب و گاهی غرب متخاصم، هم نوا شده است. مسیحیت اکنون به عنوان دومین جامعه بزرگ دینی در اندونزی شناخته می‌شود. این اجتماع، بخشی جداناپذیر از جامعه اندونزی شده است (به نقل از راپی (Ropi)، سال ۱۹۹۸؛ نورهادی (Nurhadi) سال ۱۹۹۹). این مسئله، نیازمند تغییر نگرش در جامعه مسلمان است؛ فرایندی که توسط آموزش و با تاکید این مراکز بر تسامح و تساهل، درک دوجانبه و هم زیستی مسالمت آمیز، صورت می‌پذیرد.

در مورد تاکید مراکز بر مطالعات تطبیقی در زمینه ادیان و مذاهب، دال ایکلمان (Dale Eickelman)، استاد برجسته آمریکایی و محقق اسلامی، معتقد است که اگر چه این تاکید در سایر کشورهای مسلمان نیز وجود دارد، در اندونزی برجسته تر است. "شاهد برنامه‌های گوناگون و قدرت مند در ترجمه تحقیقات سیاسی و دینی به زبان بهاسا (Bahasa) - زبان اندونزیایی - و مه متر از آن، بازار قدرت و در حال رشد چنین متونی هستم. IAIN (و نیز STAIN ها و UIN ها)، از طریق ایجاد یک گروه قدرت مند اداری که قادرند این روش را به مخاطبان متناسب با آن برسانند، ارتقا می‌یابد" (با استناد به هدایت و دیگران، سال ۲۰۰۰: ص ۸ و ۹).

۶. نتیجه گیری

امکان آموختن تسامح و تساهل دینی از طریق آموزش، به ویژه در IAIN ها، STAIN ها و UIN ها، بسیار مدیون تلاش‌های مکتی علی (Mukti Ali)، استاد مطالعات در زمینه مقایسه ادیان در دانشگاه IAIN یوگیاکارتا است. وی از دانشگاه مک گیل (Mc Gill) در مونترال (کانادا) فارغ التحصیل شده و از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸، به عنوان وزیر امور دینی خدمت کرده است و در پست وزارت، مسئول نوگرایی مدارس علمیه و persantren بوده است. هارون ناسوشن (Harun Nasution)، استاد الهیات و رئیس دانشگاه IAIN در جاکارتا در سال ۱۹۷۰ نیز نقش کلیدی در ارتقا روش‌های ذکر شده داشت

(به نقل از استین برینک (Steenbrink)، سال ۱۹۹۳، ۱۹۹۴. نوئر (Noer)، سال ۲۰۰۰. علی، سال ۲۰۰۰).

مکتی علی با نظریه "پذیرش تفاوت" خود، رهبران دینی و جوامع را به تفکر و بحث واداشت. نظریه او، این ایده را تقویت می‌کرد که فردی ممکن است دین خود را بهترین بداند. این منطقی و عادلانه است، اما این مهم را که پیروان سایر ادیان نیز چنین حقی دارند، در نظر نمی‌گیرد. روش او، بر پایه برابری انسان‌ها و ادیان بود و شمولیت و تسامح و تساهل را تقویت می‌کرد. بدون شک این روش، درک دوجانبه و احترام میان جوامع دینی را تقویت می‌کرد.

این نظریه، از مهم‌ترین ساختارهای همسویی و بردباری دینی در اندونزی شد. اثر مثبت آن، در رشد آگاهی در میان جوامع دینی مختلف در مسیر احترام به حقوق یک دیگر و زندگی در جامعه‌ای یک پارچه و همسو، قابل مشاهده است. مکتی علی، نخستین وزیر امور دینی اندونزی بود که در نوگرایی آموزش اسلامی پیش گام شد و یک زیربنای محکم و اساس فکری قوی برای مناظره میان ادیان و مذاهب مختلف، به عنوان ابزاری در جهت تقویت درک دوجانبه و همکاری، ایجاد کرد.



مرکز تحقیقات کاپیتویر علوم اسلامی

جلو‌های اسلام شیعی در جنوب شرق آسیا (اول): تایلند و اندونزی

کریستوف ماریکینوسکی

چکیده:

نوشتار پیش رو بخش نخست از تحقیق دو قسمتی^۱ نویسنده است که به وضعیت اسلام شیعی در تایلند و اندونزی می‌پردازد. وی ابتدا پس از دسته‌بندی کلامی و فقهی جمعیت عظیم مسلمان منطقه جنوب شرق آسیا، اکثریت آنان را در کلام، اشعری (در مقابل دو نحله معتزله و شیعی) و در فقه، پیرو مذهب شافعی می‌شمارد. از این رو شیعیان در تمامی کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله تایلند و اندونزی، اقلیتی کوچک ولی مهم هستند. نویسنده در توضیح موقعیت شیعیان تایلند، از تاریخ پر عظمت گذشته آنان یاد می‌کند و شیعیان کنونی آن کشور را با کمک نهادهای جمهوری اسلامی ایران فعال می‌خواند. وی در مورد اسلام شیعی اندونزی، به ریشه‌های تاریخی فکر فلسفی شیعی اشاره می‌کند، و تأثیر انقلاب اسلامی ایران در احیای این مذهب اسلامی را یادآور می‌شود. از نظر نویسنده در اندونزی پس از سوهارتو، فضای مناسبی برای ترویج آموزه‌ها و فعالیت‌های شیعیان پیش آمده است. این نویسنده مهمترین نهاد علمی و ترویجی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور را کالج اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه می‌داند. کلید واژگان: اسلام شیعه، جنوب شرق آسیا (تایلند و اندونزی)، کالج اسلامی.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

^۱ - در بخش دوم به وضعیت شیعیان در دو کشور مالزی و سنگاپور پرداخته می‌شود.

رشته مطالعات (معارف) اسلامی در بسیاری از دانشگاه‌های جنوب شرق آسیا، هم چنان در حال ظهور و گسترش است. اما وقایع سیاسی اخیر به ویژه بحران اتمی ایران و بحران حل نشده عراق، موجب شده تا در جنوب شرق آسیا، دغدغه‌های جدیدی در زمینه اسلام شیعی در میان تحلیل گران سیاسی، مطرح شود. برای نمونه، مدارس علمیه شیعه ایران از سال ۱۹۸۰، با افزایش تعداد طلاب شیعه از مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین روبه رو بوده‌اند. شیعیان جنوب شرق آسیا با این که در میان جوامع مسلمان کشور خویش، در اقلیت هستند، معمولاً در برخورد با مسائل اجتماعی اطراف خویش، به صورت بازتر و آزادتری عمل می‌کنند بر این اساس، فهم مناسب تر اسلام شیعی، می‌تواند در رسیدن به تصویری متفاوت از اسلام در جنوب شرق آسیا، مفید باشد.

از این رو، وقایع جاری در کشورهای عمدتاً شیعه‌نشین ایران و عراق، باید مورد توجه سیاست گزاران جنوب شرق آسیا باشد. و این مطلب تنها به این دلیل نیست که احتمال تأثیر متحد کننده‌ای در میان مسلمانان منطقه به طور کلی، در این زمینه وجود دارد، بلکه پدیده اخیر گرایش به شیعه و روی آوردن اهل سنت به شیعه در مسلمانان آسیای جنوب شرقی، نشان دهنده آن است که باید توجه خاصی به این موضوع داشت. عدم آشنایی کامل با مفاهیم پایه شیعی - که آن را از سنیگری متفاوت می‌سازد - و نیز طبیعت تمدن اسلامی به همان صورتی که در این منطقه ظهور یافته است، موجب شده تا دستیابی به یک ارزیابی کاملاً متقن و به دور از احساسات از وقایع جاری ناممکن باشد. عامل شیعه‌گری در جنوب شرق آسیا در طول تاریخ باید همراه با مجموعه اوضاع و شرایط روند اسلامی شدن منطقه، مورد توجه قرار گیرد، که هر دوی این موضوعات هم چنان خود مباحث روز در میان علما و دانشمندان می‌باشد. به نظر نگارنده برای مطالعه تمدن اسلامی در شبه جزیره مالای - اندونزی باید دیدگاهی بیشتر تاریخی داشت تا از لغزش‌های جدی تفسیر نادرست و خارج از موضوع، در خصوص پدیده اخیر و معاصر توجه جدید به شیعه در میان مسلمانان جنوب شرق آسیا در امان بود.

نویسنده در مقاله قبلی خود در IDSS کوشیده بود تا بعضی از مسائل مرتبط با تفکر اسلامی شیعه اثنی عشری و نیز ابعاد عملی و نظری آن را بیان کند. مقاله حاضر در خصوص جلوه‌های اسلامی شیعی در تایلند و اندونزی، نخستین مقاله از دو مقاله‌ای خواهد بود که قصد دارد وضعیت‌های کاملاً متفاوتی را که شیعیان در جنوب شرق

معاصر آسیا با آن روبه رو شده‌اند، بیان کند. در مقاله دوم نیز منتخبی از مسائل کشورهای سنگاپور و مالزی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مکاتب و آیین‌ها

برای بررسی تجدید حیات اسلام شیعی در شبه جزیره در مجموعه تمدن اسلامی جنوب شرق آسیا باید به یاد داشته باشیم که بیشتر مسلمانان جنوب شرق آسیا امروزه سنی‌اند که اغلب آنان از دیدگاه الهیات، جزو مکتب اشاعره هستند. دیدگاه اشعری را می‌توان جریان غالب در الهیات اهل تسنن دانست. نام این مکتب از نام مؤسس آن ابوالحسن الاشعری (متوفای سال ۹۳۵ میلادی) که از جمله افراد اهل نظر و سامان بخش الهیات سنی‌گری بود برگرفته شده است. این مکتب را می‌توان عکس‌العملی علیه عقل‌گرایی معتزلی در نظر گرفت که در قرون وسطی و دوره اسلام کلاسیک اهمیت بسیاری داشت. بر اساس دیدگاه اشعری عقل انسانی در مرتبه دوم نسبت به وحی الهی قرار دارد زیرا گمان بر این است که عقل نمی‌تواند به صورت مستقل خوب و بد را تشخیص دهد. فقط خداوند می‌تواند در زمینه خوبی یا بدی عمل خاصی تصمیم بگیرد. تنها راه موجود برای دستیابی به اخبار مورد اطمینان از واقعیات مذهبی، وحی است. اشاعره درباره مسأله صفات الهی، اگر چه آنها را می‌پرستند، اما انسان‌انگاری بیش از حد را نمی‌پذیرند. این مسأله در تضاد کامل با دیدگاه‌های معتزله (و نیز شیعه اثنی عشری) است که در منابع قرآنی «دست خدا» را می‌بینند و در سایر صفات جسمی نیز از تعبیرهای استعاره بهره می‌گیرند. این مسأله در تاریخ الهیات اسلامی بسیار مشهور است که اشعریان اعلام می‌کنند که قرآن - با توجه به این کلام خداست - الوهی بوده و بنابراین مخلوق نیست. این دیدگاه نیز در تضاد با دیدگاه‌های معتزله و شیعه اثنی عشری است. آشکارا توجه اصلی اشعری به این نکته بوده است که خداوند، قادر متعال است.

در مجموع توجه و وابستگی مستمر اشاعره به الهیات سنی‌گری تا امروز اغلب به عنوان دلیل جزم‌گرایی در این مکتب، محسوب می‌شود.

در خصوص فقه اسلامی و مسائل عبادی، بیشتر مسلمانان سنی جنوب شرق آسیا پیرو مکتب شافعی به شمار می‌آیند. شاید عبارت «آیین فقهی» در این خصوص مناسب‌تر از «مکتب» باشد؛ عبارتی که متأسفانه همچنان در ادبیات معاصر به ویژه در غرب، کاربرد دارد. عبارت «مکتب» حالت گمراه‌کننده‌ای دارد، چرا که موضوعات مرتبط با الهیات را نیز در بر می‌گیرد و دامنه آن از عبارت تخصصی عربی «مذهب» (جمع آن: مذاهب) کمتر است. امروزه علاوه بر شافعی، تنها سه آیین فقهی دیگر در

اهل تسنن دیده می‌شود: آیین حنفی که معمولاً به عنوان میانه‌روترین آیین سنی در نظر گرفته می‌شود و در آسیای مرکزی، ترکیه، بالکان، شبه جزیره هند پیشرو می‌باشد - این آیین، آیین رسمی مذهبی در امپراتوری عثمانی، هند در دروه موغال و سایر امپراتوری‌های اسلامی با منشأ ترکی بوده است؛ آیین مالکی که بیشتر در شمال و شمال غرب آفریقا پیرو دارد و حنبلی (که اغلب به عنوان محافظه‌کارترین و سخت‌گیرترین مذهب سنی شناخته می‌شود) که اغلب پیروان آن در شبه جزیره عربستان حضور دارند. (وهابیت که امروزه عربستان سعودی و بخش‌هایی دیگر از افراط گرایان سنی را در مناطق دنیا احاطه کرده است، یک آیین فقهی نیست، بلکه یک جنبش سیاسی اصول گرا است که در اواسط قرن هیجدهم در شبه جزیره عربستان ظهور یافت.

به لحاظ توزیع جغرافیایی، شافعی‌های جهان، مالایی - اندونزیایی را تحت سلطه دارند. شامل سنگاپور، جنوب تایلند و جنوب فیلیپین - که این سلطه همراه با کشورهای مصر، سوریه، اردن، فلسطین و عراق (اهل تسنن این کشور) می‌باشد. هم چنین مجموعه‌ای از شافعی‌ها در جنوب هند زندگی می‌کنند. در حقیقت باید گفت بیشتر مسلمانان جهان، شافعی اند. وضعیتی که در مورد مراحل اسلامی شدن جنوب شرق آسیا نیز وجود داشته بیان گر همین مسأله است. علاوه بر این، معمولاً این نکته فراموش می‌شود که خود ایران نیز یکی از مراکز اصلی علوم مذهب شافعی - تا قبل از تأسیس شیعه اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی در ایران در سال ۱۵۰۱م. توسط سلسله صفوی بوده است.

اما پرسش از مباحث فقهی یا آیین‌های فقهی اصولاً مسأله‌ای نیست که باعث جدایی شیعیان و سنی‌ها از هم شده باشد. در حقیقت، مکاتب شافعی و جعفری (آیین فقهی شیعه اثنی عشری) تا حد زیادی نسبت به آنچه در درون مکاتب اهل تسنن دیده می‌شود به یک دیگر نزدیک ترند البته در مورد قدرت مذهبی و مهم تر از همه در خصوص معانی اصلی و جای گاه دین و معنویت به طور کلی، با یک دیگر متفاوتند.

الهیات اشاعره در طول تاریخ اسلام بیشتر به این نکته تمایل داشت که نظام سیاسی حاکم را بپذیرد؛ به این معنا که هر سلسله‌ای که بتواند از توانایی نظامی بیشتری برخوردار باشد موفق تر است. کاربردهای بیشتر این شرط از حدود و حوصله مقاله حاضر که در خصوص اسلام شیعی است، بیرون می‌باشد. با این همه، باید به خاطر داشت که با توجه به فعالیت‌های اخیر شبکه تروریستی القاعده و عدم پذیرش آن در فضای عمومی اهل تسنن، باز هم ذکر می‌شود که این گروه تحت همین شرط، ولی با

ارائه این برچسب که حکومت‌های سنی مورد هدف آنان غیر اسلامی یا کمتر اسلامی‌اند توجیه می‌شود. از دیدگاه تاریخ الهیات سنتی اهل تسنن و تفکرات سیاسی اصول‌گرای آنان، این نوع توجه به حکومت سیاسی پایدار، قطعاً نوآوری محسوب می‌شود.

نویسنده علاقه مند است این مقدمه مختصر در مورد مکاتب فقهی را با اشاره به محمود شلتوت - یکی از رهبران اهل تسنن از مصر - به پایان برساند. شلتوت از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ شیخ یا امام اعظم دانشگاه الازهر - از مهم ترین مراکز اهل تسنن در جهان - بوده است. این دانشگاه اصالتاً در قرن دهم و توسط فاطمیون - سلسله‌ای از شیعه اسماعیلیه - تأسیس شده است. شلتوت، رئیس الازهر از معتبرترین مقامات اهل تسنن به شمار می‌رود و به ویژه به دلیل تدریس فقه زیدیه و شیعه اثنی‌عشری در دانشگاه همراه با فقه چهار مذهب معروف سنی، از شهرت خاصی برخوردار شد. شلتوت با توجه به ابعاد اجتماعی و احساس این نکته که تعارض‌های فرقه‌ای اساساً پدیده‌ای جامعه‌شناسانه هستند و نیز توجه به اهمیت والای فقه تطبیقی در مطالعه حقوق، در اندیشه نزدیکی مجدد شیعه - سنی افتاد که به صدور فتوای معروف فقهی او که در ژوئیه ۱۹۵۹ صادر و منتشر گردید، منجر شد. در این جا ارزش مند خواهد بود که متن فتوا به طور کامل آورده شود. این فتوا با توضیح خود شلتوت آمده است:

«بعضی اعتقاد دارند که برای مسلمانی که می‌خواهد عبادت و اعمال صحیح مذهبی داشته باشد لازم است از یکی از چهار مکتب معروف فقهی (اهل تسنن) پیروی کند، در حالی که مکتب شیعه اثنی عشری (الشیعه الامامیه) و زیدیه (الشیعه الزیدیه) یکی از مکاتب نباشد. آیا جناب‌عالی با این نظر موافقید و پیروی از مکتب شیعه اثنی عشری (الشیعه الامامیه الاثنی عشریه) را برای مثال، ممنوع می‌دانید؟»
 وی پاسخ داد:

۱. اسلام از مسلمانان نخواست است از مکتب حقوقی خاص (مذهب) پیروی کند، بلکه ما می‌گوییم، هر مسلمان حق دارد از یکی از مکاتب فکری که به صورت صحیح نقل شده و فتوای آن در کتاب‌هایش کامل است، پیروی کند. و هر کسی که از چنین مذهبی (مکتب فقهی) پیروی کند می‌تواند به مکتب دیگر منتقل شود و اگر چنین کاری انجام دهد گناه کار نخواهد بود.
۲. مکتب فقهی جعفری که هم چنین تحت عنوان شیعه اثنی عشری (الشیعه الامامیه الاثنی عشریه) شناخته می‌شود، مکتبی است که از جهت دینی جهت انجام امور عبادی مانند سایر مکاتب سنی، معتبر است. مسلمانان باید بر این نکته آگاه بوده و از پیش داوری‌های نادرست درباره هر مکتب خاصی بپرهیزند، زیرا

دین خداوند و فقه الهی او (شریعت) هیچ گاه منحصر به یک مکتب فقهی خاص نیست. مجتهدان آنان از سوی خداوند متعال پذیرفته شده‌اند و پیروی افراد غیر مجتهد از آنان و عمل نمودن طبق تعالیم آنان، چه در مورد عبادات و چه معاملات، صحیح و پذیرفته است.

در بخش بعدی ما به جلوه‌های اسلام شیعه دوازده امامی در تایلند معاصر می‌پردازیم. علاوه بر این، نگارنده تلاش کرده‌است برخی تا بعضی ابعاد حضور تاریخ شیعه در تایلند به ویژه در دوره آیوتایا را بیان کند. تایلند؛ اقلیتی کوچک با تاریخی بزرگ

بر اساس کتاب آمار جهان CIA، در ژوئن ۲۰۰۶ اعلام شد که جمعیت تایلند به ۶۴/۶۳۱/۵۹۵ نفر می‌رسد و مسلمانان این کشور پادشاهی ۴/۶٪ از کل جمعیت بوده و بقیه بودایی اند. در این جا نیازی نیست که به تحلیل این آمارها بپردازیم، اگر چه احتمالاً در صد واقعی مسلمانان از کل جمعیت به ۱۰٪ می‌رسد. علاوه بر این، جامعه مسلمانان تایلند معاصر اگر چه از جهت قومی یک دست نیستند، از جهت فرهنگی تحت غلبه مالایی‌های جنوب تایلند - که عمیقاً وابسته به مکتب فقهی شافعی هستند - قرار دارند. دیدگاه فرهنگی و دینی آنان متمایل به کشور همسایه مالزی و دنیای غرب است تا به سوی ایران و هند - آن گونه که در دوره آیوتایا بود - به نظر می‌رسد، مهم ترین عامل تاریخی که پشتیبانی از غلبه اسلام سنی در میان مسلمانان تایلند را بر عهده داشته است علاوه بر پایان غلبه پارسیان در دوره آیوتایا، اتحاد چهار ایالت مطرح جنوبی یعنی: ناراتی وات، پاتانی، یالا و ساتن در سال ۱۹۰۲ در چارچوب اداری حکومت سلطنتی بود که باعث شد اسلام بزرگ ترین دین اقلیت در این کشور شود. غلبه اسلام سنی هم چنین در سال ۱۹۴۵ و با انتصاب چولارانج مونتری به جای افراد شیعی که از اعضای خانواده بون نانگ و از اعقاب شیخ احمد قمی بودند، تشدید گردید. شیخ احمد قمی عالم و بازرگان مهاجری از ایران بود که مورد توجه سلاطین آیوتایا قرار داشت و از سوی آنان به مقامات رسمی عالی برگزیده شد. پس از پایان غلبه شیعه‌گری که با پایان دوره سلطنت آیوتایا در اواسط قرن هیجدهم روی داد، مسلمانان شیعه، که اکثراً عضو قبیله پاتان بودند، اما در میان آنان از تایی‌ها و مالایی‌ها نیز دیده می‌شد، به زندگی در این کشور ادامه دادند، شیعیان هم اکنون اقلیتی کوچک در شهر بانکوک را تشکیل می‌دهند که شاید برای بسیاری از افراد با توجه به تاریخ شیعه در تایلند دوره آیوتایا عجیب باشد. اگر چه ارائه آمار شیعیان غیر ممکن است، منابع غیر رسمی جامعه شیعیان تایلند، تعداد آنان را در این کشور حدود یک درصد از جمعیت

مسلمانان تایلند ذکر می‌کنند و که مجموعاً به چند ده هزار نفر می‌رسند که این تعداد بستگی به آن دارد که کدام نوع دیدگاه جمعیتی را مد نظر قرار دهیم. بر اساس نظر وزارت خارجه آمریکا، وزارت امور دینی گزارش می‌کند که ۳۴۷۹ مسجد در ۶۴ استان ثبت شده که بیشترین تعداد در استان پاتانی بوده است. بیشتر این مساجد وابسته به اهل تسنن است و تعداد باقیمانده که به نظر این وزارت بین ۱ تا ۲ درصد از مجموع مساجد را تشکیل می‌دهند وابسته به شیعیان است. به هر صورت، زندگی شیعیان در تایلند جدید به نظر می‌رسد که کاملاً به سفارت ایران در بانکوک و مرکز فرهنگی آن وابسته است. این مطلب باوجود حضور نسبتاً آرام مرکز السید خوبی در این شهر است. نگارنده کوشید تا اطلاعات بیشتری از مرکز الخویی به دست آورد، اما گفته می‌شود که این مرکز دیگر به فعالیت خود ادامه نمی‌دهد. آیت‌الله سید ابوالقاسم الخویی (۱۹۹۲ - ۱۸۹۹) شاید یکی از مشهورترین و فعال‌ترین علمای ساکن نجف در قرن بیستم بوده است. او علاقه زیادی به تأسیس مؤسسات رفاهی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی برای مسلمانان سراسر جهان داشته که این مراکز در مناطقی چون، لندن، نیویورک، لبنان، پاکستان، بنگلادش و تایلند واقع اند.

سفارت ایران کوشیده است تا ذهنیت مناسبی درباره ایران ایجاد کند. این امر از طریق برگزار کردن کنفرانس‌ها و چاپ آثار ادبیات فارسی کلاسیک با ترجمه تایی از قبیل آثار شاعران متصوفی چون حافظ، سعدی، رومی و دیگران محقق شده است. برای نمونه شیخ احمد و تاریخ پرسابقه حضور ایرانیان در سیام، موضوع تعداد زیادی از کنفرانس‌های تایلند بوده است که اغلب با همکاری مشترک از طریق دانشگاه‌های این کشور برگزار شده‌اند. بخش فرهنگی سفارت ایرانی در داخل مجموعه خود کتابخانه شیخ احمد قمی را جای داده که اغلب کتاب‌های آن، دارای موضوعات مذهبی و فرهنگ و تاریخ ایران است.

مرکز فرهنگی همواره در ساماندهی چنین کنفرانس‌هایی فعال بوده است که نخستین آنها در سال ۱۹۹۴ در مرکز مطالعات تاریخی آیوتایا برقرار شد. نتیجه این کنفرانس، انتشار کتابی در چند مرحله به زبان تایی بود که در کیفیتی دانشگاهی و با شمارگان محدود منتشر شد و چکیده‌ای از آن به زبان انگلیسی بود. یکی دیگر از همایش‌ها که با حضور نگارنده و افرادی دیگر برگزار شد، در اول مارس ۲۰۰۳ بود که تحت عنوان «کنفرانس روابط تایلند - ایران؛ گذشته - حال - آینده» در مؤسسه آسیا پاسیفیک سریناچارین و پروت تایلند برگزار گردید. کنفرانس سوم نیز که آن هم با حضور نگارنده برگزار شد تحت نام «کنفرانس بین‌المللی تأثیرات صوفی‌گری ایرانی بر

جنوب شرق آسیا» بود. این کنفرانس با همکاری مشترک دانشگاه کاتولیک تایلند و سفارت ایران در ۸ - ۷ فوریه ۲۰۰۴ برگزار شد. کتابی دیگر که حاوی مباحث این کنفرانس بود در همان سال به چاپ رسید. بالاخره سفارت ایران گردهمایی چهارم را تحت عنوان «کنفرانس شیخ احمد قمی» در بانکوک و در ۳۴ - ۳۳ نوامبر ۲۰۰۵ ساماندهی کرد که بیشتر به دلیل بزرگداشت رسمی پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک میان ایران و حکومت پادشاهی تایلند در سال ۱۹۵۵ برگزار شد. گفتنی است تایلند نخستین کشور جنوب شرق آسیا بود که ایران در دوره پهلوی (۱۹۷۹ - ۱۹۲۵) برای برقراری مجدد روابط با آن، اقدام کرد.

همان گونه که نگارنده شاهد بوده است (در طول سفرهای مختلفی که به بانکوک داشته) اغلب کارمندان تایلندی سفارت ایران قبلاً در حوزه‌های علمیه شیعه اثنی عشری در قم تحصیل کرده بودند، که این جانب با بعضی از آنها به صورت تقریباً روانی به زبان فارسی گفت و گو کرده‌ام، اغلب خود را جدا از اهل تسنن می‌دانند و تقریباً به هیچ عنوان با ساکنان جنوب کشور و خواست آنان جهت استقلال همراه نیستند.

در مورد مسائل امنیتی از سوی دولت تایلند، می‌توان اظهار داشت که تا کنون، نگاه جداسازی شیعیان از اهل تسنن در دولت شکل نگرفته است و مسلمانان در هر منطقه‌ای از این کشور پادشاهی به عنوان بخشی از «تشکل جنوب» یاد می‌شوند - مقصود، جدایی نژاد مالایی است. این مسأله می‌تواند با توجه به مسأله ایران - عراق که دغدغه ایالات متحده نیز هست و تایلند به عنوان متحد آمریکا در این جریان درگیر می‌باشد، تغییر یابد. در سناریوی فوق می‌توان تجدید تصاویر دهه ۱۹۸۰ را مشاهده کرد که بر اساس آنها شیعیان سراسر جهان به عنوان «مخاطرات بالقوه امنیتی» و «بمب‌های زمانی در حال حرکت» دیده می‌شدند. این مسأله فقط شاید در تایلند وجود نداشته باشد. از سوی دیگر، برای آینده، نگارنده نمی‌تواند هیچ پیش‌بینی خاصی داشته باشد، چرا که شیعیان تایلند به ایران به عنوان منبعی جهت فعالیت‌های فرهنگ و مذهبی اتکا داشته و تقریباً به طور کامل به آن کشور وابسته‌اند.

در این جا باید به یاد آورد که حضور شیعه در این کشور به همراه فرهنگ ایرانی بر کشور همسایه یعنی میانمار اثر گذاشته است که این تأثیر کاملاً محسوس است. دو شهر مرگویی و تناسریم که در عمق جنوب این کشور واقع‌اند زمانی در قرن پانزدهم به این سو به سلسله سیامی آیوتایا تعلق داشته‌اند. این شهرها دو بندر مهم این کشور محسوب می‌شوند که در گذشته بازرگانان شیعه و ایرانی جهت اقامت آن جا را برمی‌گزیدند. هم اکنون نسل‌های این افراد در میانمار حضور دارند و این نویسنده از سوی آقای محمد

رسلی بن حسن - رهبر گروه شیعیان سنگاپور - مطلع شدم که مسلمانان برمه زمانی به مسجد وی رفته بودند و بعضی از ادعیه را به زبان فارسی قرائت کرده بودند، اگر چه آنان قادر نبودند معنای این دعاها را درک یا به این زبان تکلم کنند.

شیعیان در اندونزی سکولار

تحقیق در مورد مسلمانان شیعه در اندونزی معاصر قطعاً به یک پژوهش مجزا نیاز دارد. بعضی کارها پیش از این انجام شده است. که برای مثال نشریه دانشگاهی اندونزیایی «علوم القرآن» شماره‌ای را به این مطلب اختصاص داده بود و دانشمندان اندونزیایی و بین‌المللی در تهیه آن مشارکت داشتند. آنچه در پی خواهد آمد بر این اساس، تنها تفکراتی است که باعث انجام تحقیقات خواهد شد.

همان گونه که نگارنده در موارد دیگر سعی داشت نشان دهد «اسلام شیعه از بعد تاریخی مدت زیادی است که در اندونزی حضور داشته است» و تصوف فلسفی جنبش وجودیه در قرن هفدهم در منطقه آچه و بخش «حکایات» از ادبیات کلاسیک مالایی از جمله جریان‌های قوی پیرو شیعه بوده‌اند. مراسمی با روح شیعی همان در شبه جزیره وجود دارد اگر چه بسیاری از شرکت کنندگان آنها، سنی‌هایی هستند که از اصل و منشأ این بزرگداشت‌ها بی‌اطلاعند؛ همان گونه در مورد مالزی، تایلند و سنگاپور ذکر شده است تمایل اخیر به احیای اسلام شیعه در اندونزی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به این سو و تحت تأثیر انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ که همه جهان اسلام را در بر گرفت، ایجاد شد. البته تعداد دیگری از شیعیان در باندونگ و سورابایا ساکنند. با توجه به این که اندونزی کشوری است که بیشترین تعداد مسلمانان را در جهان دارد و نیز گستره فرصت‌هایی که شیعیان خود را تحت نظر نظام سیاسی حاضر، ساماندهی کنند، تعداد شیعیان این کشور در مقایسه با بعضی دیگر از کشورهای منطقه احتمالاً بالاتر خواهد بود. آمار رسمی وجود ندارد، اما نشریه اینترنتی آسیا تایمز هنگ کنگ، مقاله‌ای در خصوص آیت‌الله سیستانی که در عراق ساکن است در ۳۱ اوت ۲۰۰۵ منتشر کرد و طی آن تعداد شیعیان جنوب شرق آسیا را ۳ تا ۴ میلیون نفر دانست. منبع این آمار البته همکاران [آیت‌الله سیستانی] در قم بودند. اگر چه این آمارها تا حدودی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و نمی‌توان در مورد شمار دقیق پیروان شیعه، تحلیل خاصی ارائه داد، اما به نظر می‌رسد که وزارت خارجه آمریکا به نحوی این آمار را تأیید کرده است، چرا که در گزارش سالانه مربوط به آزادی مذهبی طی سال ۲۰۰۵ اعلام کرده است که «بین یک تا سه میلیون پیرو شیعه در این کشور ساکنند». این مسائل باعث می‌شود تا اندونزی به عنوان کشوری که در منطقه بیشترین تعداد شیعیان در آن ساکنند، مطرح

باشد. این مطلب مخصوصاً با توجه به مشکلاتی که شیعیان در کشور مالزی با آنها روبه رو هستند و نیز تعداد نسبتاً اندک آنان در سایر بخش‌های منطقه، واقعی‌تر جلوه می‌نماید. اگر چه هیچ آمار خاصی وجود ندارد، اما می‌توان پیش‌بینی کرد که روند دمکراتیزه شدن اندونزی پس از دوره سوهارتو، می‌تواند مهم‌ترین دلیل تعداد نسبتاً زیاد شیعیان در آن کشور باشد.

همان‌گونه که نگارنده در هنگام اقامتش در ایران بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ مشاهده کرد شیعیان اندونزی - به ویژه شیعیان نو آیین - به تعداد زیاد در حوزه علمیه قم به ویژه مدرسه حجتیه، درس می‌خواندند. این نویسنده در سال ۲۰۰۰ نیز به قم رفته بود که مشاهده کرد مدرسه علمیه فوق تعداد زیادی از طلاب خارجی مقیم را در خود جای داده است. در کشور اندونزی در دوره سوهارتو، شیعیان تهدید عمده‌ای علیه حکومت به شمار می‌آمدند. هنگامی که من در دهه ۱۹۸۰ در ایران حضور داشتم اغلب این افراد به دلیل وجود مشکلات دولتی موظف بودند تقیه کنند. وضعیت آنان در آن هنگام مشابهت زیادی با مشکلاتی داشت که برادران آنان در مالزی تحمل می‌کردند اگر چه منشأ این مشکلات متفاوت از یک دیگر بود. در حالی که در مالزی به نظر می‌رسید علت اصلی نگرانی دولت آن کشور «خطرات موجود در راه اتحاد نژاد مالایی» و «فرقه ارتدوکس» بود، شیعه‌گری در اندونزی جنبشی انقلابی در نظر گرفته می‌شد که شدت آن می‌توانست برای رژیم سوهارتو خطرناک باشد همانند هرگونه مخالف حکومت دیگر که در این کشور حضور داشتند. از دیدگاه مارتین فان بوراین سن - که استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه اوترخت و مؤسسه بین‌المللی لیدن ویژه مطالعات اسلامی در جهان نوین می‌باشد - «شیعه‌گری از دهه ۱۹۸۰ به این سو به عنوان تهدیدی عمده مطرح گشت. در این دوره انقلاب ایران خود را اندونزی نشان داد. ده‌ها کتاب و جزوه ضد شیعه که در آنها به عنوان اختراع یهودیان معرفی شده بود، به چاپ رسیده و در سطح گستره‌ای توزیع شد».

اما در اندونزی پس از دوره سوهارتو، به نظر می‌رسد شیعیان این کشور از وضعیت کلی به وجود آمده در خصوص آزادسازی سیاسی بهره بردند، اگر چه تنها در آینده مشخص شد آنان تا چه حدی می‌توانند از این فضا، استفاده کنند. شیعیان هم اکنون فعالانه در تبادلات روشن فکرانه با سایر اندونزیایی‌ها شرکت می‌جویند. روشن فکر شیعه و احتمالاً عالی‌ترین رهبر شیعیان کشور در حال حاضر، جلال‌الدین رحمت - که به عنوان کانگ جلال نیز شناخته می‌شود - در یک مصاحبه جالب با نشریه «علوم القرآن» اعلام کرده است که شیعه‌گری در اندونزی بیشتر یک جنبش روشن فکری